

بِسْمِ اللَّهِ الرَّؤُوفِ الرَّحِيمِ

المیزان خوانی جلسه نود- سوره مبارکه صف - ۱۴۰۱/۹/۲۸

- اتمام شرح آیات سوره

- جمع بندی محتوایی و غرض سوره

- شرح آیه نور به تناسب با آیه هشتم سوره صف

"بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَ بِهِ نَسْتَعِينُ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَي سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ"

جلسه‌ی نودم المیزان هستیم با آیه‌ی پایانی سوره صف و جمع بندی سوره و در نهایت تطبیق آیه‌ی نور بر اهل بیت که ان شاء الله در قسمت دوم کلاس مون بهش خواهیم پرداخت.

### اتمام شرح آیات سوره

یه آیه مونده بود، آیه‌ی چهارده:

آیه ۱۴ " يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا أَنْصَارَ اللَّهِ كَمَا قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ لِلْحَوَارِيِّينَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ فَأَمَّتْ طَائِفَةٌ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَكَفَرَتْ طَائِفَةٌ فَأَيَّدْنَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَىٰ عَدُوِّهِمْ فَأَصْبَحُوا ظَاهِرِينَ (۱۴)"

این قسمت، خطاب می‌کنه به مومنین یعنی بعد از ماجرای حضرت موسی و حضرت عیسی علیهم السلام، خطاب می‌کنه به مومنین و میگه، ای کسانی که ایمان آوردید یاران خدا باشید.

كُونُوا (باشید) أَنْصَارَ اللَّهِ.

أَنْصَارَ نقشش چیه؟ بله خبر کان هست.

كَمَا قَالَ همون طور که حضرت عیسی فرمودند به حواریون،

مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ کی، چه کسانی مرا در راه خدا یاری می‌کنه؟ حواریون گفتند: نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ. اونها گفتند: نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ.

اونجا أَنْصَارَ نقشش چیه؟ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ، أَنْصَارَ نقشش بازم خبره. خب؟ پس یه أَنْصَارَ داریم نقشش خبره، یه أَنْصَارَ داریم که نقش خبره. یکی برای کان، کونوا خبر هست. یکی برای مبتدی نَحْنُ خبر هست. میدونید که خبر کان افعال ناقصه، منصوب هستند. خبر در حالت عادی مرفوعه اما وقتی که برای افعال ناقصه واقع میشن، منصوب هستند پس میشه.

كُونُوا أَنْصَارَ اللَّهِ، نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ. اونهایی که حفظ می‌کنند این نکته را، دقت داشته باشند.

خب؟ حواریون جواب دادند: نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ.

بعد خداوند میفرمایند یک طایفه ای از بنی اسرائیل، چون عرض کردیم که حضرت عیسی رسالتش در داخل قوم بنی اسرائیل هست. پس خطاب، بنی اسرائیل هست. یک گروهی از بنی اسرائیل ایمان آوردند. یک گروهی هم کافر شدند. وَكَفَرَتْ طَائِفَةٌ. و خداوند اونهایی که ایمان آورده بودند را تأیید کرد. تأیید یعنی چی؟ کمی با تأیید فارسی فرق می‌کنه. بفرمایید تأیید یعنی چی؟ کمک یا نیرو دادن. بله کمک هست بهتره بگیم نیرو دادن. از ریشه آید و آید داریم، تأیید یعنی نیرو دادن، تفعیل. پس به شکل متعدی معنی میکنیم. پس خداوند کسانی را که ایمان آورده بودند نیرو داد علیه دشمنشون. عَلَي عَدُوِّهِمْ فَأَصْبَحُوا ظَاهِرِينَ.

ظَهَرَ یعنی غلبه. ظَهَرَ یعنی آشکار شدن نیروشون. پس اونها غالب شدند. این آیه‌ی آخر سوره صف.

اما تفسیرش:

علامه می‌فرماید اینقدر دین خدا را یاری کنید که به این علامت شناخته بشید. یعنی شما حواری شناخته بشید، (دقیقه ۵) یار شناخته بشید. این آیه ۱۴ نسبت به آیه ۱۳ جنبه ترقی داره. این قاعده را توضیح بدم. ترقی و تدلی مثل یک پله‌های نرده‌بام از یک موضوعی اگر ما ارتفاع بگیریم میشه ترقی. اگر از موضوعی بیاییم سطح پایین‌تر، میشه تدلی. خب؟ ترقی هست یعنی اومده مطلب آیه‌ی قبل را به پله برده بالا. یعنی درسته که شما گفتید که با جان و مال خودتون باید تجارت بکنید بعد میگه توی این قضیه حتی به شکل یک علامت رفتار کنید یعنی این بشه ویژگی شما و خدا را با ایمان و جهاد در راه او یاری کنید، در این یاری خودتون دوام و ثبات داشته باشید. اینجا منظور از یاری چیه؟ یاری دین خدا و پیغمبر خداست. و پیغمبر خدا. یعنی یاری خدا یعنی همان یاری پیغمبر خداست.

كُونُوا أَنْصَارَ اللَّهِ یک تشبیهی توش هست ما کجا دیگه انصار شنیدیم؟ در مورد حواریون حضرت عیسی شنیدیم دیگه. پس شبیه می‌کنه میگه کما تشبیه هست.

كَمَا قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ لِلْحَوَارِيِّينَ هَمَانُطُورَ که حضرت عیسی فرمودند به حواریون که چه کسی مرا یاری می‌کنه؟ بعد اونها گفتند که ما انصار خدا هستیم یعنی ما داریم شما را یاری می‌کنیم، نصرت الهی یعنی نصرت رسول الهی. یعنی از اون تشبیه فهمیدیم که درخواست نصرت به معنای درخواست نصرت رسول است. خدا میگه کی منو یاری می‌کنه یعنی کی فرستاده منو یاری می‌کنه؟ پس انصار خدا بودن حواریین معنایش این است که انصار حضرت عیسی باشند. در پیمودن راه خدا. راه خدا هم همان توحیده، اخلاصه و عبادته.

یه مسیری را بهتون بگم نظر خود علامه‌ست وقتی ازشون پرسیدند که چیکار کنیم که مسیر عبادت را طی کنیم؟ ایشون گفتند اول عابد باشید بعد از اینکه عابد خوبی بودید یعنی مسیر عابد بودن را به طور کامل طی کردید عبد میشید. بعد از اینکه مسیر عبد بودن را باز کامل طی کردید می‌رسید به وادی عبودیت. بعد از وادی عبودیت میشه ربوبیت. یعنی چی؟ عابد بودن یعنی اینکه ما اون قواعدی را که خدا از ما خواسته، تکالیفی که خواسته را انجام بدیم. حالا چقدر به دلمان نفوذ کرده را کاری نداریم. فعلا عابدیم. یعنی نمازهامون را می‌خونیم. روزه‌هامون را می‌گیریم. خمس و زکاتمون را میدیم. گناهی نمی‌کنیم، مواظب زبانمون هستیم، این میشه تازه عابد.

یعنی خوده عابد بودنش هم سخته. بعد میشیم عبد. یعنی خدا را جوری میشناسیم که هر چه برای ما در نظر بگیره قبول میکنیم. حرف گوش کن، مطیع.

بعد از عبد بودن، عبودیته یعنی دیگه غرق شده توی مفهوم. عبودیت محضه. بعد که چشممون را باز میکنیم میبینیم که هیچ مدبر و مربی جزء خداوند در دنیا نیست و در آخرت هم چنین میشه ربوبیت. این نظر خوده علامه‌ست. میگه اول عابد بشید، (دقیقه ۱۰) اول تظاهر کنید به حرف گوش کردن، بعد میشید حرف گوش کن بعد اون ویژگی براتون ثبت میشه، میشه عبودیت به شکل مصدری و بعد ربوبیت.

پس جمله‌ی **نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ** مقابل **مَنْ أَنْصَارِي** هست و مطابقش هست. این دو تا جمله معنایشون یکیه. علامه میگن، **مَنْ أَنْصَارِي** و **نَحْنُ أَنْصَارُ** جفتشون یک معنی میدن. مخاطبان در جمله‌ی **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا أَنْصَارَ اللَّهِ**، انصار خدا باشند یعنی چی؟ یعنی انصار رسول خدا باشند که اینها عرض کردیم علامه دوباره توضیح داده. یعنی اینکه به رسول ایمان بیاوریم اطاعت قاطع داشته باشیم در اوامر و نواهی اون. پس میشه عبد بودن. وقتی میگیریم عبد خدا یعنی در مقابل اوامر و نواهی حضرت رسول قاطع باشیم، مطیع باشیم، صادق باشیم و این میشه حواری بودن برای پیغمبر اسلام.

حضرت عیسی یک پیشنهادی دادند به بنی اسرائیل بحث همین چه کسی حواری من است؟ خب بنی اسرائیل دو گروه شدند. یه عده ای ایمان آوردند. یه عده ای کافر شدند. سرانجام این درخواست حضرت عیسی شد دو شقه شدن بنی اسرائیل و خداوند مومنینش را بر کافرینش غلبه داده. پس چون مثال زده چون گفته کما، مسلمان ها هم همین هستند. عین این سرنوشت را دارند. اونها هم دو طایفه میشن یکی مومن میشه یکی کافر. اگر مومنین دعوت خدا را در نصرتش و نصرت رسولش اجابت بکند تمام دستورات خداوند را اجرا کنند یعنی عبد بشن، خدا هم اونها را نصرت میده. همانطور که حواریون حضرت عیسی بعد از یک مدت سختی به آقایی و سیدی رسیدند. به سروری رسیدند. خدا مومنین پیغمبر اسلام را هم به سروری و آقایی میرسونه. خب بریم بحث روایتی.

ببینید یک شخصی را داریم به نام ابوالجارود. زیادبن منذر ابوالجارود. یه فرقه ای را بنیان گذاری کرده به نام جارودیه. یه سری اندیشه های خاصی داره.

**سوال:** چی فرمودید؟ پاسخ: بله اول عابده بعد عبده بعد عبودیت بعد ربوبیت. یعنی شئون ربوبیت را ما بیاییم پیاده کنیم. یعنی چی؟ عرض کردم عابد بودن یعنی تظاهر دیگه. یعنی ما فعلا توی ظاهر دستورات را اجرا میکنیم، نماز می خونیم، روزه میگیریم. کارهای دیگه انجام واجبات، ترک محرمات. این میشه عابد بودن تازه اگر بیاییم اینها را درست انجام بدیم. بعد از این مرحله هر چی خدا گفت گوش میکنیم، میشیم حرف گوش کن، مطیع، محضه. بعد که حرف گوش کن شدیم، میشه برامون ملکه و ویژگی. توی عبودیت خداوند غرق میشیم. بعد از این مسیر هر جا چشم باز کردیم خدا را مربی و مدبر خودمون و تمامی امور آخرت و دنیا مون میبینیم. این میشه ربوبیت. یعنی به توحید ربوبی دست پیدا میکنیم.

برم ابنالجارود را بگم؟

ابالجارود یا ابوالجارود موسس فرقه جارودیه‌ست. ببینید من وقتی که راجع به فرقه‌ها صحبت میکنم همیشه کنارش یه افسوس دارم.

وقتی که میگیریم که بر اساس حدیثی از پیغمبر (دقیقه ۱۵) مسلمانان هفتاد و سه فرقه شدند یعنی یهودیان هفتاد و یک فرقه، مسیحیان هفتاد و دو فرقه و مسلمانان هفتاد و سه فرقه شدند. خیلی حدیث عجیبیه سندش هم درسته به چند صورت از پیغمبر نقل شده در آخر هم میفرمایند یک فرقه از این هفتاد و سه فرقه عاقبت بخیر میشن و فائز میشن. **إِنَّ هَذَا عَلِيًّا وَ شِيعَتَهُ هُمُ الْفَائِزُونَ.**

انتهای این حدیث معروفه. خب؟ هفتاد و سه فرقه یه وقت فکر نکنید که مثلاً فرقه های اهل سنته فقط، نمی‌دونم مالکی و حنفی و حنبلی و شافعی و اینها. نه! اتفاقاً یک بخش قابل توجهی از این هفتاد و سه تا که اگر کسی واقعا بیاد وقت بذاره این فرقه ها را شناسایی کنه، مربوط به شیعه‌ست در زمان ائمه. یعنی ما از زمان خود حضرت علی این فرقه فرقه شدن شیعه ها را داریم تا زمان امام حسن عسکری، فقط در زمان خود امام حسن عسکری بیست فرقه‌ی شیعه داریم. شیعه که می‌گیم یعنی یک تعریف کلی، کسانی که قائلند به خلافت، امامت و حکومت بلافصل حضرت علی بدون در نظر گرفتن خلفا یعنی حضرت علی بلافاصله بعد از حضرت پیغمبر قرار گرفتند. خب؟ به این می‌گیم شیعه، حالا می‌خواه زیدی باشه، چهار امامی باشه، می‌خواه پنج امامی باشه، شش امامی باشه، هفت امامی باشه. یعنی ما این مصیبت را تا زمان امام یازدهم داریم بیست فرقه خلیه. مگر چقدر بودند کل شون که بیست فرقه هم بشن. خیلی شرایط سختی بوده، تشخیص واقعا سخت بوده.

حالا یکی از اینها ابوالجاروده. زمان امام باقره. یکی از اصحاب امام باقر هم هست یه خرده تک‌تازی کرده یعنی حرف گوش نکرده. عبد نبوده. چیکار کرده؟ وقتی که امام باقر می‌گفتند که برای حفظ جان تون تقیه واجب، چون امام باقر چندین جا توی احادیث فرمودند که تقیه واجب. "لَادِينَ لِمَنْ لَا تَقَاتَ لَهُ" کسی که تقیه نداره دین نداره. برای اینکه شیعه حفظ جان بشه. از زمان امام سجاد به جلوتر تا زمان مثلاً امام باقر، امام صادق، شرایط تقیه خیلی سخته. برخلاف اینکه ما فکر می‌کنیم که خب از لحاظ علمی اینها رشد کردند خیلی جامعه پذیرش بهتری داشتند ولی باز هم شیعه ها و علوی ها توی شرایط خیلی سختی بودند و باید تقیه می‌کردند.

و این ابن‌الجارود که بعداً حالا به ابوالجارود مشهور هست، خودش و پسرش، تقیه را کنار گذاشتند یعنی سرخود توی اجتماع، توی بازار، توی محافلی که بودند علناً عقاید خودشون را بروز میدادند و خب از جانب امام توبیخ شدند و طرد شدند تا حدودی. حالا توی تاریخ هست امام آنها را طرد کردند.

و حالا این آقا، بعضیها می‌گن که احتمالاً آخر عمرش برگشته یعنی باز اومده سمت ائمه، ولی به هر حال یه دوره‌ای اسم صحابی بهش خورده. و ببینید چیزی که الان من اینجا دارم می‌بینم باز در زمان امام صادق هم به سبب بعضی اون تک‌تازی‌هاش، توبیخ شده امام صادق هم ایشون را نقد کردند و نکوهش کردند که چرا سرخودی؟

حالا ما به هر حال، احادیثی از این شخص داریم. یه اصلی هست توی علم حدیث هست گرچه مثلاً یه نفر دوازده امامی نباشه ولی اگر اطمینان به وثوقش داشته باشیم میتونیم احادیثش را قبول کنیم.

اینو خواستم بگم توی همین المیزان اینجا علامه از این آقا حدیث آورده. می‌گه که در تفسیر قمی، علی‌ابن‌ابراهیم قمی (دقیقه ۲۰) در روایتی که ابوالجارود از امام ابی جعفر یعنی امام باقر، من می‌خوام بهتون سندشناسی هم بگم که وقتی یک حدیث را می‌بینید مسیرش را یاد بگیرید. شخص ها را هم بلد باشید.

از امام ابی جعفر یعنی امام باقر در تفسیر آیه‌ی "يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ نَقْل کرده که فرموده اصحاب گفتند کاش می‌فهمیدیم این تجارت چیه؟ بعد خدا فرموده که "تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ إِلَىٰ آخِرِ آيَةٍ. که اهل سنت هم این روایت را آوردند. من

هفته پیش هم گفتیم **وَ آخِرَىٰ تُحِبُّونَهَا نَصْرٌ مِّنَ اللَّهِ وَ فَتْحٌ قَرِيبٌ** اشاره به ظهور امام دوازدهم داره و بعضی از روایات گفتند که اشاره به فتح مکه، هر دو تاش می‌تونه تطبیق داشته باشه.

در کتاب احتجاج که به نام شیخ طبرسیه. یه سری مقالاتی هم راجع به این کتاب هست حالا اینها را هم بدونید بد نیست. ببینید؛ احتجاج بعضی‌ها در اسنادش به نویسنده‌اش شک وارد کردند. کدوم طبرسی؟ معلوم نیست حالا معروفه به کتاب شیخ طبرسی. از حضرت علی علیه‌السلام اومده که در ضمن حدیثی فرمودند زمین هیچوقت از عالمی که مایحتاج خلق را بیان کنه و متعلمی که در راه نجات به دنبال علما میره، خالی نبوده یعنی همیشه یک عالمی بوده یک متعلمی بوده و این دو طایفه همیشه در اقلیت هستند بر اساس روایت. خدا این معنا را در امت انبیای گذشته بیان فرموده و اون امت‌ها را مثل برای آیندگان گذاشته. مثل همین حواریون.

در الدرالمنثور جناب سیوطی، ابن اسحاق و ابن سعد از عبدالله بن ابی بکر بن محمد الی آخر روایت کرده رسول خدا به آن چند نفری که در عقبه دیدارش کردند فرمود از بین خود دوازده نفر را به عنوان کفیل قوم خود به من معرفی کنید همانطور که حواریون حضرت عیسی بن مریم کفیل قوم خود بودند. نشون میده عدد دوازده یک عدد خاصی، عدد نقیبت. **اثنی عشر نقیبت بنی اسرائیل** زمان حضرت موسی دوازده. عدد دوازده رهبر، دوازده نقیب که بر اساس تیره‌های دوازده‌گانه اسباط بنی اسرائیل. بعد عدد دوازده در اسلام، دوازده خلیفه‌ی راشد، خلفای راشدین. اصل حدیث خلفای راشدین تطبیق داره با ائمه‌ی دوازده‌گانه‌ی شیعه و اینجا هم دوازده پیشرو و پیشوا در موقع آماده کردن مدینه قبل از ورود پیغمبره به اونجا. یعنی در بحث پیمان عقبه پیغمبر هنوز وارد مدینه نشدند فرمودند برید دوازده تا پیشوا بین خودمون انتخاب کنید آماده سازی داشته باشید تا ما بیاییم مدینه. این اتفاقی که میگم ببینید گروه مدینه چه قبیله‌ی اوسش چه قبیله‌ی خزرجش و این دو تا قبیله معروف مدینه هستند و چه قبایل دیگه از سال هشتم بعثت تا سال سیزدهم چند سال میشه؟ پنج سال، مدام در رفت و آمد هستند که حضرت پیغمبر را دعوت کنند به مدینه.

یعنی شما فکر نکنید سال سیزدهم اومدند پیغمبر هم به راحتی قبول کردند. پنج سال سفر حضرت پیغمبر طول کشیده. که حتما باید مردم مدینه این آمادگی و این پذیرش را در خودشون می‌داشتند که پیغمبر وارد اون شهر بشن از سال هشتم تا سال سیزدهم این اتفاق افتاده که پیمان عقبه سال دوازدهم هست. (دقیقه ۲۵) خب این از این. این از سوره صف.

### جمع بندی محتوایی و غرض سوره

بریم من یک جمع بندی هم داشته باشم بعد بریم سراغ آیه‌ی نور. یه منظره ای اول سوره صف من جلوی چشماتون گذاشتم از سوره صف. یعنی یه جمع بندی کلی داشتیم قبل از ورود به سوره. حالا که با سوره آشنا شدیم می‌خواهیم یه جمع بندی نهایی هم داشته باشیم.

گفتیم که مدنی هست، میدونیم. پیام اصلی‌ش باید ببینیم که کجا خداوند پیام اصلی سوره صف را جا داده. لابه‌لای کدوم آیاتش؟ نگاه بکنیم. آیات یک تا هفت بحث اقتدار آیه یکش. حکمته، تسبیحه. آیه دو و سه

مستقیم وارد مطلب شده داره تویخ می‌کنه که چرا یک حرفی را می‌زنید، یک قولی را میدید و عمل نمیکنید بهش. خداوند این را شدیداً نهی کرده، موجب خشم خدا شده آیه‌ی چهار قرآن باید جلوتون باشه که بتونید اینها را درست تشخیص بدید. آیه‌ی چهار در مقابل آیه‌ی سه، کَبُرَ مَقْتًا دِیْگِه، خب؟ که به خشم الهی اشاره کرده بود، اومده آیه‌ی چهار گفته مجاهدین و کسانی که مقاتلند یعنی نبرد کننده هستند محبوبند نزد خداوند. پس آیه‌ی دو و سه و چهار را میذاریم کنار هم، میشه چی؟ مصداق نقض قول آیه‌ی دو و سه هم همان جهاده که این را عرض کردیم داخل کلاس.

درسته که خلف وعده به شکل کلی زشته اما اینجا مورد خاصش را که جهاد هست داره اشاره می‌کنه. آیه‌ی پنج حضرت موسی و ماجراش هست. آزار عامدانه‌ی بنی اسرائیل که نسبت به حضرت موسی روا داشتند و اونها را از هدایت الهی خارج کرده. **إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ** خدا قوم فاسق را هدایت نمیکند. یعنی قوم حضرت موسی که عامدانه حضرت موسی را آزار دادند اذیتشون کردند اونها را مصداق فاسق میدانند و از هدایت خارج. آزاره چیه؟ با توجه به بحث جهاده آیه‌ی دو، سه، چهار، علامه میگن باز آزار جهادیه بیشتر. گرچه آزارهای زبانی و عملهای دیگه هم داشتند مثل تکذیب حضرت موسی، ساحر خواندن ایشان و ایمان نیاوردن بهش، اینها هم جزء آزارها بوده، منتها اون آزار پررنگشون بحث عدم تبعیت در جهاد همراه حضرت موسی است. که یه ماجراشو گفتیم دیگه همون توی چهل سال، بعد از پایان چهل سال دوم، ابتدای چهل سال سوم که چهل سال سرگردانی هست گفتند که تو با خدای خودت برو بجنگ کارتون که تموم شد بیاید ما را هم صدا کنید که به خاطر این عدم تبعیت و همراهی، چهل سال سرگردان شدند. پیام اصلی سوره گفتیم جهاده. ما میاییم این آزار بنی اسرائیل را هم باز نسبت به جهاد میگیریم عرض کردیم آزارهای دیگه هم داره منتها این آزارشون پررنگ‌تره. وقتی که داره میگه شما هم مانند قوم حضرت موسی نباشید یعنی انگار یه پس زمینه ای توی این آیات هست مسلمانانی که حرف پیغمبر را گوش نکردند توی جهاد پیغمبر را یاری نکردند. یه حرفهایی زدند، عمل نکردند.

آیه‌ی شش، رسالت حضرت عیسی را داره بهش اشاره می‌کنه گفتیم که هر پیغمبری غیر از پیغمبر خاتم بین دو تا پیغمبر قبلی و بعدی قرار میگیره یعنی تسلسل انبیا این جوریه که اینها مانند حَلَقَاتِ یک زنجیر بهم وصلند. (دقیقه ۳۰)

حضرت عیسی پیغمبر قبلی شون حضرت موسی ست، پیغمبر بعدی شون حضرت پیغمبر اسلام هستند. حضرت عیسی میشن مصدق حضرت موسی و توراتش، مبشر حضرت پیغمبر و قرآنش. رسالتشون پس اینجوریه. قبلی‌ها را باید تصدیق و تأیید کنند، بعدی‌ها را بهش بشارت بدن.

و همین که بنی اسرائیل حضرت عیسی را هم ساحر خواندند، یعنی اولین رفتار تکذیبی در مقابل یک پیغمبر اینه که بگیم دروغ میگه و سحر هست همه کارهاش و خودش هم ساحره. یعنی بهانه‌ی دیگه ای نداشتند. وقتی می‌دیدند چیزی که جلوشون هست به عنوان معجزه الهی، چاره ای ندارند ایمان بیاورند برای اینکه ایمان نیارند فوری تکذیب می‌کردند و تهمت سحر می‌زدند. که به حضرت عیسی هم این تهمت را هم زدند.

حالا بیاییم این هفت تا آیه را، آیه هفتش را هم که گفتیم که حضرت عیسی را و رسولان را و معجزاتشون را سحر خواندند، خداوند هم توی این آیه به شدت اونها را سرزنش کرده کارشون را ظلم دانسته و در حالیکه این رسولان اونها را فقط به توحید و نسبت به خدا داشتند دعوت می کردند. به هر دو تاش هست خانم عجایی. هم میتونیم به مشرکین زمان پیغمبر نسبت بدیم بعضی از مفسرین. هم اینکه به حضرت عیسی نسبت بدیم. خب؟ حالا بیاییم یک تا هفت را جمعش کنیم. میخواد یک زمینه سازی کنه برای محور اصلی سوره با صراحت بیشتر. توی سوره تغابن و حدید بهتون گفتیم حرف اصلی سوره وسط سوره هست. یاد تونه؟ توی حدید هفت تا ده بود دیگه. هفت تا یازده بود. وسط سوره هست. توی تغابن هم که نخوندیم، ولی باز همون جاهاست، توی حشر هم همچنین. دو تا محور داره این یک تا هفت، یکی ایمان، یکی هم عمل و تبعیت متناسب با ایمان و اعتقاد. یعنی به همون اندازه که ایمان دارید باید عمل هم داشته باشید تا ایمان تون خالص بشه. پس این شد یک تا هفت، چی بود؟ یکی ایمان، یکی تبعیت. اینو داشته باشید.

بریم سراغ هشت تا یازده. آیات هشت تا نه مجموعاً. خداوند میاد پیغمبر اسلام را ارسال می کنه به عنوان رسول. وجود مقدس ایشون را مجهز می کنه به دین اسلام و هدایتش. این دین اسلام را بر همه ادیان غلبه میده و علی رغم کراهت کافرین و مشرکین این دین، تمام خواهد شد، تکمیل خواهد شد. هشت و نه با همدیگر. آیات ده الی سیزده. خدا دوباره مسلمانان را مورد خطاب قرار میده که وعده ایی خدا داده که اسلام را پیروز می کنه شما هم به یاری پیغمبر اسلام برید، جهاد مالی و جانی؛ توی سوره صف گفتیم که ویژگی ش اینه که جهاد جانی هم داره. اما نیازمند انگیزه اند این مسلمانان. نیازمند جایزه هستند. نیازمند مشوق دنیوی هستند. مشوق های دنیوی چیه؟ نصرت و فتح. مشوق های اخروی چیه؟ یکی مغفرتیه اخروی هست یکی هم ورود به جنت است. بهشت، بهشت موعود. دو تا انگیزه به ما میده یکی دنیوی یکی اخروی، دنیوی ها هم یاری هست هم فتح هست. اخروی ها هم آمرزش گناهان هست هم بهشت هست.

محور اصلی سوره در آیهی ده است. ( دقیقه ۳۵ ) ایمان، تلاش و جهاد، با مال و جان. گفتیم که یک تا هفت ایمانه و تبعیت هست انگار که اون یک تا هفت یه جاده صاف کنی هست برای ایمان این قسمت که خیلی پررنگ تره. یعنی هشت تا سیزده هم باز داره به ایمان، ایمان خالصانه به خدا و رسول و جهاد مال و جان. پس ده مون پررنگه. غرض اصلی سوره، آیهی ده است.

آیهی چهارده، تشویق می کنه مسلمانان را مانند حواریون باشید. نه مثل یاران حضرت موسی. اونها اذیت کردند شما اینجوری نباشید. در کنار پیغمبرتون باشید، یاری کنید، اطاعت محض داشته باشید، جهاد مال و جان داشته باشید تا خدا هم شما را پیروز کنه.

آیات دو، سه، چهار بنویسید یا حالا توی ذهن تون داشته باشید، دو، سه، چهار و ده الی چهارتای آخر. برای تشویق به بهتر کردن ایمان هست، عمل چیه؟ بحث جهاده.

آیات پنج تا هفت، کسانی که پیغمبران را تکذیب می کنند ایمان نمی اورند. یا زبناً ایمان آوردند اما عملاً پیغمبر را آزار دادند.



خیر آیهی ده هست محورمون. آیهی ده هست. آیهی یازده بیشتر اونو توضیح میده. خب؟ پس دو، سه، چهار، ده الی چهارده، ایمان و عمله. پنج تا هفت تکذیب پیغمبران است یا آزارهاست یا کسانیه که زبانا ایمان آوردند اما عملاً آزار دادند.

صفت‌های ظالمین و فاسقین را در آیات پنج تا هفت داریم. هر دو گروه را داره هشدار میده. مخاطبان را در واقع مخاطبان پیغمبر را داره هشدار میده، مواظب باشید. آیات هشت تا نه وعده غلبه‌ست. تا امیدواری را بیشتر کنه. پیام کلی سوره شد ایمان و عمل. عملمون چیه؟ جهاد مالی و جانی. درست شد؟ این جمع بندی سوره.

اگر یک جایی رفتید گفتید ما سوره صف را خواندیم. خب چی شد؟ از این سوره چی فهمیدید؟ می‌گید که آیات یک تا هفت زمینه چینی می‌کنه برای ایمان، ایمان خالصانه و اطاعت محض از پیغمبر. آیات هشت تا نه وعده میده اگر شما اون ایمان و عمل خالصانه داشتید خدا شما را پیروز می‌کنه. آیهی ده کل آیات یک تا نه را می‌گه که ایمان. حرف اصلی توی آیهی ده هست. خب؟ آیه یازده داره اون را تقویتش می‌کنه.

خب همون سوال کرده حرف اصلی هست دیگه. حرف اصلی بحث تجارته. چه تجارته؟ آیهی بعدش اسم تجارت را گفته. اینی که ما می‌گیم هدف اصلی یعنی اسم تجارت **هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ**، تجارته چیه؟ اسم اون تجارت چیه؟ اون تجارته مهم‌ترین هست. حالا تجارت چیه؟ یازده، بهتره بگیم ده و یازده با هم. (دقیقه ۴۰) ولی ده محور اصلی سوره هست. متوجه شدید؟ تجارت محور اصلی هست، تجارته چیه؟ انگار که شما میدونید تجارته چیه ولی یه عده سوال می‌کنند. سوال که میکنند خدا توضیح میده.

آیا حرف اصلیه مهمه یا توضیحش؟ کلید اصلی را توی آیهی ده گفته. توضیحش آیهی یازده هست. درسته؟ توضیحش شما را روشن می‌کنه. شما باید بدونید که تجارته چیه؟ چون از یک تا نه شما را آماده کرده برای اون تجارت مهم. غرض اصلی سوره، ده هست. یک تجارته، تجارته چیه؟ مومنینی که از یک تا نه اومدند با سوره آروم آروم متوجه شدند میدونند این تجارته چیه؟ درست شد؟ حرف من نیست که می‌گم آیهی ده هست. علمای تدبر می‌گن آیهی ده هست. منطقی هم هست دیگه. اول می‌گه تجارت خب حالا که تجارته همه میدونند چه تجارته؟ خدا بیشتر داره واضحش می‌کنه حالا به قول شما، داره شما را روشن می‌کنه.

پس این از سوره صف. از سوره صف یاد گرفتیم یاران خدا باشیم یعنی یاران رسول خدا باشیم با ایمان و عمل. عمل مون چیه؟ جهاد مال و جان.

### شرح آیه نور به تناسب با آیه هشتم سوره صف

آیات هشت و نه حرف نور را زد و بحث غلبه‌ش. غلبه‌ی دین اسلام. ما عرض کردیم که امروز ان‌شاءالله آیهی نور را خدمتون خواهم گفت هر چقدر طول بکشه بعد از پایان عرایض کلاس را تموم میکنیم یعنی بحث جدیدی نمی‌خواهم باز کنم بعد از این قضیه.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

یه مقدمه چینی می‌خواهیم برای آیه‌ی نور، آیه‌ی ۳۵ سوره‌ی نور.

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

" اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ كَمِشْكَاهٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مَبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُورٌ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (۳۵) "

چند نوع روایت داریم در مورد آیه‌ی نور، مثلاً یه سری روایات اومدند همه را به شکل کلی در مورد پیغمبر و حضرت زهرا و کل ائمه یک جا، دیگه تعیین نکردند که کی مثلاً کدوم قسمت از این آیه‌ست. مثلاً از امام رضا علیه‌السلام سوال کردند گفتند این نور چیه؟ گفتند نور هدایت. هدی من فی السماوات و هدی من فی الارض.

نور حضرت پیغمبره، نور خداونده. با این نور همه هدایت میشن. هم اونهایی که در آسمان‌ها هستند و هم اونهایی که در زمین هستند با این نور الهی.

این نور کجا متمثل شده؟ نور الهی، در وجود نبی اکرم. پس اون نور الله نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ که همه چه آسمانی‌ها و چه زمینی‌ها با اون نور هدایت میشن متمثل شده در وجود نبی اکرم. مَثَلُ نُورِهِ یعنی خوده حضرت پیغمبر. مَثَلُ نُورِهِ یعنی خوده نبی اکرم هست. خدا مَثَلِ نداره. لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ. (دقیقه ۴۵) اما مَثَلِ داره. مَثَلِ نداره اما مَثَلِ داره. مَثَلُ نُورِهِ مَثَلِ نور خداوند در وجود حضرت پیغمبره. پس مَثَلُ نُورِهِ همیشه حضرت پیغمبر. برای ما متمثل شده.

بعد میاد این نور را که در وجود حضرت پیغمبر هست تشبیه می‌کنه به یک چراغ‌دان. خداوند یک چراغی را. **سوال:** مَثَلِ چه تفاوتی با مَثَلِ دارند؟ پاسخ: مَثَلِ یعنی مانند. مَثَلِ یعنی یه شاخه ازش یعنی از صفات خدا. از صفات و اسما اگر یه نمونه بیارید میشه حضرت پیغمبر.

تَمَثَّلِ یعنی میتونه خارج از اون وجود در یک وجود دیگه ای یک صفتی بروز کنه. این میشه تمثیل. مَثَلِ یعنی عین خودش. عینش که نداریم لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ. اما مَثَلِ، خدا زیاد داره. مَثَلِش میشه انبیا. مَثَلِش میشه پیغمبر خاتم. مَثَلِش میشه ائمه.

وجود مقدس پیغمبر یک چراغ‌دانه. ببینید این روایتی که از امام رضاست، همه را اومده به خوده پیغمبر داره تطبیق میده. گفتم چند نوع روایت هست.

یک چراغی در وجود ایشون روشن کرده، وجودشون شبیه یک چراغ‌دانه. داخلش یک چراغی هست روی این چراغ یک حبابه، یک محفظه شیشه‌ای هست، محافظه. این چراغ از یک شجره‌ی پاک درخت زیتون ارتزاق می‌کنه یعنی حالا اون روغنش یا اون سوختش از یک درخت زیتونه و اون مشکات گفتند قلب پیغمبره. اون نورش میشه نبوتش و قرآنش. این یه نوع روایتیه یعنی کلا از اول تا آخرش را با خوده پیغمبر اسلام تطبیق داده.

بعد آیهی بعدش که میشه **فِي بُيُوتٍ أُذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا أَسْمُهُ** اون را میاد به خانه‌های اهل بیت تشبیه می‌کنه یعنی تو آیهی نور، فقط خوده پیغمبره. این یه نوع نگاه به آیهی نور هست.

بعد ما هر وقت بخواهیم به نور خدا برسیم باید وارد بیت حضرت نبی اکرم بشیم. از حضرت امیرالمومنین و حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها تا ائمه دوازده‌گانه. سجده در این خانه‌ها، تواضع و خشوع در مقابل اینها، یک بیوت نورانی خدا برای ما گذاشته برای ورود به اون بیوت نورانی باید اطاعت داشته باشیم همون چیزی که توی سوره صف داشتیم. خب این یک نوع.

الان من برم نوع دیگه روایات را ببینم. خدمتتون عرض کنم. بعضی‌ها اومدند گفتند که این نور خوده قرآن مجیده. بعضی‌ها گفتند نور ایمانه. بعضی‌ها گفتند هدایته. بعضی‌ها گفتند اسلامه. بعضی‌ها گفتند شخص پیغمبره که من روایت از امام رضا را هم اشاره کردم. توی روایت هم به بیوت (دقیقه ۵۰) یعنی اون آیهی **فِي بُيُوتٍ أُذِنَ اللَّهُ** بیوت اهل بیته. خوده آیه نور مثلا توی اون روایت اشاره نمیکنه. ببینید چندین نوع روایت داریم بعضی از روایات آوردن گفتند امامان و پیشوایان معصوم، منتها چند تا دونه شون را گفتند.

### **\*صوت دوم\***

**أَلْعِلْمُ نُورٌ بَقِيه ش چیه؟**

**يُقَذِّفُهُ اللَّهُ فِي قَلْبِ مَنْ يَشَاءُ**

خدا اون را توی قلبی هر که بخواد میندازتش بعضی‌ها گفتند اینه. این هفت نوع روایته. یعنی اگر شما بخواین این رو به عنوان مطلب علمی بنویسید، دسته‌بندی روایات آیهی نور هفت نوع برداشته. سریع این هفت تا را می‌گم.

قرآن، ایمان، خوده رسول، هدایت، اسلام، ائمه هستند و علم هست، علم و دانش.

بریم سراغ خواص نور را هم بگیم بعد اون قسمت آخر که مدنظرم هست. خواص نور چیه؟ لطیف ترین موجود جهان. مخلوقه و لطیف ترین موجود جهان ماده‌ست. سرچشمه همه زیبایی‌ها و لطافت. بالاترین سرعت را داره  $E=MC^2$ . بله اسلام هم هست.

بالاترین سرعت را داره. میدونید دیگه سیصد هزار کیلومتر در ثانیه میتونه طی مسیر کنه. وسیله‌ی تبیین هست. اجسام را و موجودات مختلف را ما میتونیم با نور ببینیم. بدون نور نمیتونیم چیزی را ببینیم. وسیله‌ی تبیینه. هم ظاهر هست هم مظهر هست. اسم فاعل. یعنی ظاهر کننده، تا نور نباشه نمی‌بینیم. نور پرورش دهنده گل‌هاست، گیاهانه. رمز بقای همه موجودات زنده‌ست. هیچ موجودی بدون استفاده از نور زنده نمی‌مونه. تمام رنگهایی که ما می‌بینیم با استفاده از نوره. بله روایت هم داریم اون دسته بندی روایاتی که روی ائمه اومده تطبیق داده اون حضرت زهرا هم داره.

من همه روایات را توی هفت دسته خدمتون گفتم. گفتم یکی از دسته ها، ائمه‌ی معصوم هستند که امروز می‌خواهیم بهش پردازیم.

تمام رنگهایی که ما می‌بینیم نتیجه نوره. تمام انرژی‌های موجود در محیط ما به غیر از اون انرژی اتمی همه از نور آفتابه. نبود کننده انواع میکروبیها و انواع موجودات موزیه. یعنی تابش آفتاب نبود ما تعداد زیادتری از میکروبیها و موجودات موزی را باید باهاشون دست و پنجه نرم میکردیم.

خب؟ حالا بیاییم اون هفت تا را به بار دیگه بگیریم. قرآن نوره چون کلام خداست. اسلام نوره چون آیین خداست. پیغمبران نورند چون فرستادگان خدا هستند. خدا هم خودش نوره. امام‌ها نورند چون حافظان آیین اسلامند بعد از پیامبران. ایمان نوره چون رمز پیوند با خداست. علم نوره چون باعث آشنایی ما با خداست. پس **اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ** همه اینها را در بر میگیره.

مثل نور خداوند مثل یک چراغدانیست که در آن چراغی باشد آن چراغ در حبایی قرار بگیرد، حبایی شفاف، درخشنده، مانند یک ستاره فروزان. **كَمْشِكَاهِ فِيهَا مِصْبَاحٌ ۖ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ ۖ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ**

این چراغ با روغنی افروخته می‌شود از درخت پربرکت زیتونی گرفته شده که نه شرقیست نه غربی. **يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ**

آنچنان روغنش صاف و خالص است که گویی بدون تماس با آتش می‌خواهد شعله ور شود. **يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ (دقیقه ۵)**

نوریست بر فراز نور. نور علی نور

خدا هر کس را که بخواهد به نور خود هدایت می‌کند. **يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ** و برای مردم مثل‌ها میزند. **وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ ۗ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ**.

خب مشکات اون روزنه و اون محل کوچکی هست که توی دیوار ایجاد می‌کردند اینا را هم بگیریم. داخل دیوار اگر شما این فیلمهایی که مثلاً از صدر اسلام نشون میدن، داخل دیوار به حفره‌هایی درست می‌کردند، این چراغ را داخل اون قرار میدادند.

به اون حفره میگن چراغدان یا مشکات. پس مشکات اون حفره‌های داخل دیواره. که این باعث می‌شد که باد بهش نخوره، یا از مثلاً چیزهایی که باعث خاموشی‌ش بشه محافظت بکنه. حتی بعضی‌ها یک شیشه هم جلوش می‌کشیدند یا محفظه‌های شیشه‌ای دور چراغ بود قبلاً به حباب‌های شیشه‌ای هم داشت. به روزنه‌ای بالاش داشت که هوا وارد و خارج بشه. پس مشکات یک محفظه‌ای هست در مقابل حمله باد و طوفان، به شیشه‌ای داره که محافظت می‌کنه یک ورودی داره، یک خروجی داره.

مصباح خوده چراغه. با یک فتیله‌ای قابل اشتعاله. به ماده‌ی انرژی‌زایی برای این چراغ می‌خواهیم که میشه **يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ** از یک درخت پربار و پربرکتی گرفته میشه. یکی از بهترین

روغن ها برای اشتعال همان روغن درخت زیتونه. اون هم درختی که کامل نور آفتاب را دریافت می‌کنه. یک روغن صاف و خالص به ما میده.

برای استفاده از نور کامل همچین چراغی ما چهار تا عامل می‌خواهیم. یک چراغدان اون محفظه داخل دیوار و حباب، اون شیشه که دورش هست، شفاف باشه. و اون خوده چراغه، اون نوره که روی فیتيله‌ست. و اون ماده‌ی انرژی زایی که زیرش هست زیر فیتيله‌ست. حالا نفته، روغنه.

یه نوع ترکیب تشبیهی داریم بینید ما توی یک جمله تشبیهی، یه مشبه داریم یه مشبه‌به داریم و یک وجه‌شبهه. بعضی از ترکیبات تشبیهی قرآن وجه‌شبهه‌شون مرکبه. من یه مثال می‌زنم. می‌گیم که مثلاً چی بگم؟ بذار یه جمله خیلی معروف تشبیهی بگم که وجه شبه هم داشته باشه. مثلاً روح تو در لطافت مانند برگ یک گل است این لطافت را می‌گیم وجه شبه، روح میشه مشبه، برگ گل هم میشه مشبه‌به. وجه شبه در چه چیزی؟ شما دارید تشبیه می‌کنید، میشه لطافت. آیه‌ی نور جزء آیاتی هست که وجه‌شبه‌ش مرکبه. تشبیه هست سرچاش، مشبه و مشبه‌به داره انگار اون لطافت را آورده هی باز کرده هی بیشترش کرده هی بهش شاخه داده. آیه‌ی نور بهش می‌گیم، وجه شبه مرکب.

حالا بریم سراغ ائمه. اینها را گفتم که برسم به این قضیه. الله نام مبارک خداونده.

جامع همه صفات. جامع جمیع صفات. **اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ**

این **نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ** را بعضی‌ها گرفتند حضرت پیغمبر، بعضی‌ها **مَثَلُ نُورِهِ** را گرفتند حضرت پیغمبر. (دقیقه ۱۰) پس الله اگر خوده خداونده، نورش در آسمانها و زمین حضرت پیغمبره. **مَثَلُ نُورِهِ** حضرت امام علی هست. توضیح میدم یه بار دیگه. بعضی‌ها **اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ** یعنی خوده خداونده، **مَثَلُ نُورِهِ** حضرت پیغمبره. بعضی‌ها الله را گرفتند خب؟ نور آسمانها و زمین را حضرت پیغمبر گرفتند.

گرفتید چی شد؟

بعضی‌ها **نُورُ السَّمَاوَاتِ** را حضرت پیغمبر گرفتند. بعضی‌ها **مَثَلُ نُورِهِ** را حضرت پیغمبر گرفتند. خب اگر **مَثَلُ نُورِهِ** را حضرت پیغمبر بگیریم حضرت علی کجاست؟ چون مشکات که حضرت زهراست، حضرت علی کجاست؟ می‌گن چون حضرت علی و حضرت پیغمبر مانند یک جان هستند خب؟ اینجا نور **مَثَلُ نُورِهِ** هم حضرت پیغمبره هم حضرت علی هست. اگر متوجه شدید یک باز خوردی به من بدید، یک مثبتی چیزی بذارید من متوجه بشم برم جلو.

پس دو حالت. یا **نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ** حضرت پیغمبره، **مَثَلُ نُورِهِ** حضرت علیه، یا **مَثَلُ نُورِهِ** هم حضرت پیغمبره هم حضرت علیه. این تا اینجا.

پس اینجا این حالتی که می‌خونم **نُورُ السَّمَاوَاتِ** حضرت پیغمبره، **مَثَلُ نُورِهِ** حضرت علی هست. مشکات، مشکات حضرت زهراست. اینو بارها شنیدید. اون چراغدانی که در وجود خودش چراغ را داره حضرت زهراست. خیلی راحت ما میتونیم این تشبیه را متوجه بشیم. همه وجود ائمه از وجود مبارک حضرت زهراست. مصباح اول، چراغ

اول حضرت امام حسن، اولین چراغی که از اون چراغدانه، نورش میاد بیرون حضرت امام حسنه. اولین فرزند حضرت علی و حضرت زهرا. مصباح دوم حضرت امام حسین، امام حسن و امام حسین. حدیثش را بگید اگر گفتید؟ مصباح دوم امام حسین. حدیثش بسیار زیباست همه هم بلدید. بله مشکلات حفره‌ایه داخل دیوار که مراقبت می‌کنه.

إِنَّ الْحُسَيْنَ مِصْبَاحَ الْهُدَىٰ وَ سَفِينَةَ النَّجَاةِ. حدیث شریف نبوی. پس مصباح دوم امام حسین.

اون شیشه بود که محافظت میکرد از باد و یک ورود و خروجی داشت، امام سجاده. اشاره به اینکه امام سجاد علیه‌السلام ۳۴ سال امامت کرد در تمام این ۳۴ سال کلاً پنج نفر یار داشتند. چقدر باید قوی باشند با مهارت باشند که من این را توی ماجراهای مربوط به امام سجاد توی چند جلسه گفتم شاید تا حالا به گوشتون خورده یا نه، در طول ۳۴ سال تمامی معارف شیعه را توسط پنج نفر انتقال دادند به امام باقر، یعنی یک حفاظت بسیار سخت، بسیار سخت. اوضاع خفقانی که بعد از عاشورا به وجود اومد توی تاریخ بی‌سابقه‌ست. یعنی حتی سخت‌تر از دوران سه امام آخره. تقیه واجب. امام سجاد علیه‌السلام کاری کردند کارستون. در طول ۳۴ سال این معارف را نگه داشتند به سختی. هر کسی توی بازار فقط الله‌اکبر می‌گفت توسط حجاج که ۱۵ سالش را معاصر با امام سجاد هست، دست و زبانش بریده میشد. در این شرایط حضرت امام سجاد معارف را نگه داشتند. و یکی از روش‌های تبلیغ (دقیقه ۱۵) شیعه‌شون نمی‌دونم شنیدید از من یا نه، بحث تربیت غلام است. هزار غلام را ایشون خریدند کسی در جامعه به غلام توجهی نمی‌کنه. خیلی شأن و وضع اجتماعی نداره درسته؟ حواسی بهش نیست یعنی می‌خوام بگم خیلی بهش دقت نمی‌کنند، حساس نیستند روی غلام حالا این چه عقیده‌ای می‌خواد داشته باشه؟ هزار غلام را خریدند آزاد کردند اما قبل از آزاد کردن امام سجاد همه اینها را تربیت کردند، تربیت شیعه. یعنی این هزار غلام می‌ومدند خونه امام سجاد یه دورانی به عنوان غلام بودند ظاهراً یعنی توی این پوشش، تمامی معارف را یاد می‌گرفتند بعد آزاد میشدند میرفتند لابه‌لای جامعه و شیعه را نگه داشته بودند. نشون به اون نشون که صحابی خاص امام باقر و امام صادق علیه‌السلام همه پدران‌شون غلامانی‌اند که توسط امام سجاد تربیت شدند.

امام سجاد پنج تا یار اصلی دارند مثل ابوحمزه ثمالی، ابو‌خالد کابلی، مثل یحیی‌بن‌عمر و هزار نیروی تربیتی دارند مخفیانه یعنی مثل شبکه‌های زیر زمینی. امام باقر و امام صادق علیهم‌السلام که اینقدر موفقیت‌نشر و اشاعه‌ی معارف شیعه را داشتند به خاطر اون زمینه‌سازی بسیار عجیب امام سجاد هست. ما از بس که اینها را نگفتیم توی مدارس توی آموزش و پرورش، بچه‌ها فکر میکنند یه امام سجادی بوده فقط گریه و زاری کرده، مریض بوده، مثلاً توی شعرهای بچه‌گی مون هم یادمونه دیگه، زین‌العابد تب‌دار مثلاً. در حالیکه امام سجاد اگر نبودند شیعه‌ای نبود. خیلی دوران خاصی، حتماً کتاب انسان ۲۵۰ ساله را بخونید.

پس اینکه ما می‌گیم نقش امام سجاد در اون نور مثل یک زجاجه، یک شیشه‌ی محافظه، خیلی راحت میتونید الان این وجه شبه را تشخیص بدید.

خب! حالا این چراغدان را داریم، چراغه را داریم. شیشه را هم داریم یک کوبی یک دفعه‌ای بعد از یک دورانی که همه جا سکوت و خفقان هست یک ستاره ای شروع می‌کنه به درخشیدن؛ باقرالعلوم. یعنی زمان امام باقر با توجه به اون زمینه سازی بسیار سخت ۳۴ ساله‌ی امام سجاد یه دفعه‌ای امام باقر شکوفا شدند، شدن باقرالعلوم! اولین کسی هست که در شیعه بحث علوم را باز کرده به بهانه علوم جدید و علوم روز دور خودش جمع کرده انواع و اقسام فرقه های روز را. کَوکَب حضرت امام باقر.

دُرّی درخشان. این کوب کی درخشان تر میشه؟ زمان امام صادق یعنی امام باقر یک ستاره ای هستند که یه دفعه‌ای روشن شدند این ستاره در زمان امام صادق، روشن تر هم شد که شما بارها به گوشتون خورده که چهار هزار شاگرد در محضر ایشان علم یاد می‌گرفتند. البته این چهار هزار یک عدد کثرتی هست. مثلاً سه هزار و خرده ای بوده. ولی متاسفانه ایشان هم یار ندارند یعنی فکر نکنید چهار هزار شیعه، چهار هزار دانشمند، چهار هزار کسی که میخواد بیاد علم یاد بگیره.

امام صادق هم یار نداشتند غیر از پانزده، شانزده تایی، حتی کمتر. غیر از اون شش تا صحابی خاص، خیلی یاری ندارند. بله میشن رئیس مذهب شیعه که به ما دوازده گانه ها میگن جعفری، مذهب جعفری. (دقیقه ۲۰)

دقیقا! تا امام باقر را داریم توی روایات، یعنی حضرت فاطمه را داریم مشکات، بعد خیلی جسته گریخته هست باید خیلی آدم لابه‌لای روایات بگرده اینو پیدا کنه. بعداً علما خودشون تطبیق دادند یعنی چیزهایی که الان عرض میکنم تطبیق علماست. با توجه به عملکرد ائمه. ما روایت کلی را داریم که چهارده معصوم توی این آیه هستند اما اینکه دقیقاً کدومشون هستند رمزی یه چیزهایی گفتند مستقیم اشاره نکردند. دقت کنید. این چیزی که عرض میکنم تطبیق علماست. مفهومی؟ علمی تر باید برخورد کنیم. پس دُر شدند امام صادق رئیس مذهب جعفری. درخشنده تر و درخشنده تر، نورانی تر. این دُر کجاست؟

یُوقَدُ. عرض کردیم روایت چهارده معصوم به شکل کلی داریم رمزگونه داریم اما مستقیم به وضوح نه نداریم. شاید شرایط بیانش نبوده.

اما علما اومدند اینو تطبیق دادند از جمله هم آیه‌الله میرباقری و هم آقای دکتر میرباقری دو تا میرباقری‌ها. آیه‌الله محمد مهدی میرباقری و آقای دکتر محسن میرباقری و علمای دیگه. یعنی یه چیز فقط برای این دو نفر نیست بقیه هم این تطبیق ها را هم انجام دادند به خاطر همین اون اول گفتیم یه خرده اختلاف هست.

مثلاً نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ یکی پیغمبر میگه یکی مَثَلُ نُورِهِ را پیغمبر میگیره.

یُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مَبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ یک درختی، درخت پربرتک زیتون کیه؟ امام کاظم هستند. یعنی چی؟ برای حضرت موسی یه درختیه در یک بیابانی صدایی ازش میاد، نوری ازش میاد که حضرت موسی باهاش رسالت را دریافت می‌کنند با اون نور و جالب اینه که امام موسی کاظم ما هم همینه. یعنی حضرت موسی درختش، امام موسی کاظم و شجره مبارکه زیتونه. و این شجره تعداد بالای فرزندان شون هم هست. به قول خانم عجایی. خیلی میتونیم تطبیق‌های مختلفی انجام بدیم بین حضرت موسی، امام موسی کاظم علیهم السلام.

لَا شَرْقِيَّةٌ وَلَا غَرْبِيَّةٌ این درخته آفتاب خورش خوبه نه توی سایه‌ست نه اینوره نه اون وسط آفتاب کامل خورده روغنی هم که از این درخت در میارند روغن خالصیه. وجود مبارک امام رضا علیه‌السلام یه جایی هستنند نه شرق عالمه در زمان خودش، نه غرب عالمه، توی خراسانه. لَا شَرْقِيَّةٌ وَلَا غَرْبِيَّةٌ. امام رضا علیه‌السلام، حکایت کدوم پیغمبر هستنند؟ حضرت ابراهیم. احسنت! بله. حضرت ابراهیم.

حضرت ابراهیم از بین‌النهرین رفتند توحید را اشاعه دادند در سرزمین کنعان. حضرت امام رضا از مدینه رفتند به ماوراءالنهر خراسان، هر دوشون شروع دارند، هر دوشون هجرت دارند یک هجرت بسیار طولانی. هر دوشون اشاعه‌ی خیلی خاصی دارند. حضرت امام رضا در زمان خودشون فقط برای یک حدیث سلسله‌الذهب، بیست هزار محدث داریم که اون لحظه دارند اون حدیث را مینویسند. تمامی زبان‌ها در اون عالم اسلام در اون زمان خودشون تمامی زبان‌ها در زمان حضرت رضا علیه‌السلام (دقیقه ۲۵) شروع به تولید علم کردند یعنی حتی بلغاری. حضرت رضا فرمودند هر کسی با زبان خودش علم را گسترش بده.

باعث گسترش زبان فارسی، ایشون هستنند. برید توی تاریخ ببینید در ایران. منع کردند علمای زبان فارسی را از اینکه فقط به عربی بخوانند و بنویسند. گفتند به زبان فارسی. زبان رومی، زبان بلغاری، زبان ترکی. امام رضا علیه‌السلام به شکل لدنی با غلامانی که داشتند زبانهای مختلف صحبت میکردند. برای نشر علم، برای شیعه سازی و شیعه پروری. پس این هم از امام رضا.

يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ ۚ . نزدیکه، يَكَادُ یعنی نزدیک. روغنش، زَيْتُ یعنی روغن. بهش آتیش نرسیده، روشنی بخشه. این امام جواده. امام جواد در سن شش، هفت سالگی به امامت رسیدند. مأمون برای اینکه مقام حضرت را پایین جلوه بده همه علما را جمع کرد از همه فرقه‌ها، همه دانشمندان، حتی از همه ادیان، توی یک مجلس و چند مجلس بعدی، امام جواد هفت ساله قبل از بلوغ، هشت سال مونده تا بالغ بشن، قبل از بلوغ تمامی سوالات اینها را جواب دادند. کودکی امام جواد، همه علمای معاند را در اون کودکی ایشون شکست دادند. یعنی اون روشنی و نوری که در وجودشون دارند حتی قبل از اینکه بهشون حالت بلوغی برسه، وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ ۚ آتیشی بهشون نرسیده، بلوغی بهشون نرسیده. ایشون از پس همه برآمدند. باز ما اینها را در مدارس نگفتیم امام جواد شخصیت فوق‌العاده‌ای دارند به شدت مغز متفکر اقتصادی.

ببینید امامی که در خفقان باشه در حبس باشه، کودک باشه و حتی در نوجوانی بعداً در جوانی چون امام بیست و پنج سال شون بوده که شهید شدند. توی حالت خفقان، توی حالت حبس تمامی دنیای اسلام را ایشون مدیریت اقتصادی کردند. شیعیان خراسان، ایشون توی مدینه هستنند، بعد رفتند توی بغداد هستنند دیگه درسته؟ سمت کاظمین، بغداد کاظمین، مدینه، از این طرف خراسان، قم، ری، حتی قسمت‌هایی از ترکیه بیاید سمت شیعیان مثلاً قسمت‌هایی از افغانستان، کلا دنیای اسلام را ایشون نمی‌دونم چجوری، یک شبکه‌ای از وکلا را تشکیل دادند اقتصاد شیعه رو ایشون با نبوغشون مدیریت کردند تمام فقرا را شناسایی کردند. ببینید اگر ایشون به حکومت می‌رسید چی میشد؟ و دائم باید تحت نظر مأمون باشه. یه جاسوسی هم که توی خونه شون هست،



همسرش. تمام احوالات امام را گزارش می‌دهد. چجوری اینها تونستند دنیای اسلام را اینجوری مدیریت کنند. چرا ما حاجات دنیایی مون را از امام جواد می‌خواهیم؟ به خاطر این کارهای اقتصادی که کردند. این هم از امام جواد **نور علی نور** نور اول حضرت امام هادی، امام هادی هم در کودکی به امامت رسیدند نه سالگی. امام جواد پدرشون هفت سالگی، امام هادی در نه سالگی. باز اگر نگاه کنید توی تاریخ امام هادی (دقیقه ۳۰) یه شخصی به نام جنیدی عالم مدینه، دانشمند مدینه اهل سنت، حاکم شهر و خلیفه می‌گه ما میدونیم که اینها نور امامت را دارند ولی چون ایشون بچه هست اگر خودمون تحت تربیت خودمون در بیاریم، خب تمایل پیدا می‌کنند به سمت ما و اون نور امامت را در واقع اینجا از بین می‌بریم، این سلسله امامت را. امام هادی را توی شش سالگی از امام جواد جدا کردند از پدرش. یه حالت زندانی. یه کودک شش ساله را زندانی کردند به مدت شش ماه. زندان بانس کیه؟ جنیدی. جنیدی با کلیدش صبح در را باز می‌کرد میرفت داخل تا شب مشغول آموختن معارف و کلا علوم اهل سنت و عامه روز بود. بعد از شش ماه گفتند که خب جنیدی چی شد؟ گفت فکر کردید توی این شش ماه من درس می‌دادم؟ من ازش یاد گرفتم. این کودک شش ساله همه معارف را به من یاد داد و اونجا اعلام تشیع کرد.

امام هادی سی و سه سال امامت کردند. یعنی اولین امام ما امام کاظم هست که سی و پنج سال امامت کردند بیشتر تعداد سالهای امامت، بعد امام صادق و امام سجاده، سی و چهار سال و بعد امام هادی سی و سه سال. در طول این سی و سه سال همون شبکه وکلای پدر را گسترش دادند. نور اول امام هادی. نور دوم امام حسن عسکری.

شش سال کلا امامت کردند. جوانند. بسیار خوش سیما، جذاب، خوش قد و قامت، نورانی. تمام این شش سال در محاصره هستند. عسکر. در محاصره اند و باید هفته ای دو روز می‌رفتند دارالاماره و به قول امروزی ها کارت میزدند یعنی اعلام حضور می‌کردند که من از شهر خارج نشدم هیچگونه مبارزه ای را ترتیب ندادم، هیچگونه شورش را علیه خلفای عباسی هم ترتیب ندادم.

چجوری میشه که یک امام با این حجم از محاصره که تمام نگهبانها دم در هستند روزی چندین نامه را از شیعیان مختلف کل دنیای اسلام دریافت کنه و جواب بده. چجوری اینها متوجه نمی‌شدند.

یه کسی مثلا میومد روغن مطبخ اینها را تأمین می‌کرد، امام نامه‌های کوچکی را می‌نوشتند لوله می‌کردند داخل یک حالا مثلا فرم پلاستیک مانندی که روغن بهش اثر نذاره، داخل روغن این فرد قرار میدادند و حالا یا اون نامه را می‌آورد یا باز اینها به وسیله روغن این رد و بدل انجام می‌شد. یا داخل عصای این شخص یا یه شخص واسطه دیگه ای، این نامه ها را لوله می‌کردند کوچک می‌کردند داخل عصای این واسطه قرار می‌دادند و اینجوری دنیای اسلام را مدیریت می‌کردند. دنیای تشیع را. اینها اگر حکومت میکردند چی میشد؟

اینقدر پدران حواسشون به جان شیعه است. روایت هایی که از امام حسن عسکری داریم بحث تقیه، از همه بیشتره. حواستون باشه اعلام تشیع علنی نکنید. بعد ایشون که از منزل خارج می‌شدند تحت‌الحفظ با کلی نگهبان، مردم دو طرف کوچه صف می‌بستند که نگاهش کنند فقط. بگن از نوادگان رسول خداست فقط نگاهش

می کردند از بس ایشان جذابیت‌های خاصی داشتند. بعد مأموران بین مردم هم هستند دیگه به عنوان جاسوس. ایشان پیغام دادند توسط همون نامه های مخفیانه، به شیعیان من بگویند در بازار موقع رد شدن من (حالا مضمون روایته) به من سلام نکنند به محض سلام کردن، جاسوس‌ها که بودند خبر می دادند فلانی شیعه‌ست، می گرفتند سر به نیست‌شون می کردند. اینجوری حواسشون به شیعیان هست. (دقیقه ۳۵) بیشترین استفاده از علم غیب مال امام حسن عسکریه، چون قبولش نداشتند. شیعیان هم حتی شک داشتند. هی باید آزمون میدادند اینها، اثبات می کردند که بابا من امامم، من علم غیب دارم. بیشترین استفاده از علم غیب مال امام حسن عسکری هست. نحوه‌ی تولد فرزندشون را هم میدونید.

يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَن يَشَاءُ این امام زمانه. خدا هر کسی را که بخواد با نور خودش هدایت می‌کنه. نام مبارک حضرت امام زمان و هدایت‌گری بشر، صاحب‌العصر و الزمان در زمان ظهور ان‌شاءالله به اذن الهی که این تطبیق هست. عرض کردم دقت بفرمایید اینها تطبیقه، روایات کلی هست. در بعضی از روایات داریم مشکات حضرت زهراست یا وجود مبارک حضرت پیغمبر را به کل آیه تطبیق دادند یا گفتند که اینها اهل بیت هستند به شکل کلی. رمزگونه گفتند خیلی کلی. اینها تطبیق هست.

پس همون هفت تا دسته روایات که گفتیم اسلامه، قرآنه، پیغمبره، علمه، ائمه‌اند همه اونها باز قابل تطبیقند. علم از کی میگیریم؟ از ائمه، اسلام از کی میگیریم از ائمه.

درباره امام موسی کاظم یه نکته اینو هم بگم

امام موسی کاظم که بحث اون شجره بود ایشان سی و پنج سال امامت کردند، امام موسی کاظم هم دوران خفقان‌شون خیلی شدیدتر از بقیه‌ست.

(بله میشه تطبیق داد چون تطبیق هست، میتونیم خانم چیوایی. البته تطبیق‌ها خب باید کدها درست باشه ها، اون را دقت کنید. همینجوری نمیتونیم تطبیق بدیم. علما اومدند کنار هم قرار دادند ویژگیهای تاریخی و اینها را، اومدن اینجوری تطبیق دادند.)

خدمتتون عرض کنم که امام موسی کاظم سی و پنج سال امامت داشتند از همه امام‌ها بیشتر اینکه بعضی‌ها میگن چهار سال، ده سال، یازده سال، چهارده سال زندان بودند درستش اینه مرتب میرفتند زندان و برمی‌گشتند. یعنی مثلاً یه ماه بودند برمی‌گشتند. اون چهار سال آخر پیوسته بوده. نحوه امامت امام موسی کاظم یکی از عجایب دوران امامته. شیعیان به حدی چند شاخه شدند که اینجا امام صادق علیه‌السلام هم خیلی احساس خطر می‌کنند. زمان شهادت امام صادق علیه‌السلام دنبالش هستند که هر طور شده ببینند که امام بعدی کیه که اینجا دیگه قطع کنند سلسله را قطع کنند.

(بله میشه هیچ مشکلی نداره، میتونید بازگو کنید برای دیگران.)

میخوان این سلسله قطع بشه. خب؟ من از زمان شهادت امام صادق می‌گم امام صادق علیه‌السلام که شهید شدند به سم، توسط منصور ملعون، منصور به والی مدینه، محمد بن سلیمان دستور داد که برید خونه را بگردید وصیت

نامه را ببینید، اولین شخصی که وصیت بهش شده، حتما امامه، چون اون باید مخاطب همه وصایا قرار بگیره دیگه.

یکی از هوشمندانه ترین وصیت نامه‌های تاریخه. رفتند خونه را گشتند ریختند بهم، وصیتنامه را باز کردند. امام در وصیت نامه نوشتند: وصی اول من...

آهان منصور به والی مدینه گفته وصیتنامه را باز کنید اولین نفر کیه مخاطب؟ که حتما اون امامه بعد همونجا گردن بزنید تموم بشه بره این مطلب، این سلسله امامت دیگه قطع بشه راحت بشیم. (دقیقه ۴۰)

رفتند خونه را گشتند وصیتنامه را باز کردند دیدند که امام فرمودند که:

وصی اول من منصور دوانیقی هست. وصی دوم من محمد بن سلیمان والی مدینه‌ست. یعنی الان این والی مدینه خودش داره میگرده، نمی‌دونه بره گردن منصور را بزنه یا گردن خودش؟ وصی سوم من حمیده یعنی همسرش، خب کسی نمیگه مثلا بگن زن امامه، گردنش را بزنند. وصی چهارم من عبدالله ابن افتح پسر بزرگ امامه. وصی پنجم من موسی‌ست. موسی کاظم. یعنی امام موسی کاظم، آخریه، هیچکس بهش شک نمیکنه. اینجوری امام صادق حفظ جان کردند برای پسرش.

اومدن به منصور گفتند خب پس هیچی دیگه و به این ترتیب امام موسی کاظم جانسون سلامت موند. حالا شیعیان سر در گم‌اند توی مدینه، کوفه. زراره شاگرد خاص امام باقر و امام صادق علیه‌السلام هست. زراره همونیه که پدرش غلامه که توسط امام سجاد آزاد شده، اینها رومی هستند. اینها رومی نسب هستند، سفید رو، خوش قیافه، ما خیلی از اصحاب ائمه را داریم که غیر عرب هستند، رومی، ایرانی، حبشی.

زراره چند ماه بعد از امام صادق از دنیا رفت نمیدونست امام کیه؟ توی شک موند نه که بد باشه ها، زراره بزرگ صحابه‌ست. دنبال امام می‌گشتند امام موسی کاظم هم اجازه نداشتند علنی اعلام امامت کنند.

چیکار کردند؟ زراره پسرش را فرستاد محمد بن زراره را فرستاد برو تحقیق کن. به همراه مومن‌الطاق به همراه هشام برید تحقیق کنید ببینید امام بعدی کیه؟

اینها از کوفه راه افتادند برند سمت مدینه، اینها که توی راه بودند زراره از دنیا رفت.

اونهایی که دشمن بودند توی جامعه برای بد نام کردن زراره گفتند زراره از دنیا رفت در حالیکه امام خودش را نشناخت و اومدن گفتند من مات.

اون حدیث من مات را اومدن تطبیق دادند روی زراره مظلوم. **مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً** گفتند خب زراره یکی از مصداقهاش هست. در حالی از دنیا رفت که امامش را نشناخت. در حالیکه زراره اتفاقاً جزء کسانی هست که امام‌ها به توحیدش مثال میزنند. خب این چند نفر راه افتادند رفتند سمت مدینه دیدند که یه شخصی به نام عبدالله پسر بزرگ امام صادق ادعای امامت میکنه. عبدالله افتح، ظاهراً پاهای بزرگی داشته یا حالا پاهاش ورم داشته یه همچین لقبی بهش داده بودند. عبدالله ادعای امامت کرد. گفتند: امام علم غیب داره و ما باید بریم ازش سوال کنیم.

از اینجا به بعد هر امامی اگر بر کرسی امامت بشینه باید کلی سوال بشه ازش، مثل کنکوره، باید شیعیان اینقدر ازش سوال کنند تا به یقین برسند چون اوضاع خیلی بده، خیلی شرایط ترسناکه، نمیتونند امامها به راحتی بیان اعلام امامت کنند.

رفتند سوال کردند چند تا سوال فقهی، یکیش مثلا بحث زکات بود حالا این دیگه مفصله نمی‌خوام الان مفصلش را بگم. سوال را اشتباه جواب میده اینها مطمئن میشن که عبدالله امام نیست. میان بیرون، سرگردان توی کوچه ها هستند امام موسی کاظم هم از حال اینها باخبره توسط علم غیب. در منزلش نشسته یک پیرمردی را میفرسته دم در مثلا، اینها توی کوچه‌ها سرگردانند خیلی حالشون بده. خدایا الان ما به کدوم سمت بریم؟ امامون کیه؟ یکی زیدی شده، یکی نمی‌دونم از فرق اهل سنت مثلا مالکی و شافعی و اینها هم که فراوانند اینها موندند. محمد بن مسلم جزء صحابی خاص صادقین است. هشام، مومن الطاق اینها همه بزرگانند پسر زراره، اینها همه جزء بزرگها هستند. چیکار کنند؟ چیکار نکنند؟ پیرمرد میگه بیاید داخل این منزل، اینها شک می‌کنند چون که مأموران منصور هم توی این کوچه و خیابان زیاد بودند. از همدیگه جدا میشن برای اینکه زنده بموندند. دو نفرشون وارد منزل امام موسی کاظم میشن بدون اینکه بدونند میرن می‌بینند که پسر امام صادق هست، پسر دومش. اونجا چند تا سوال می‌کنند میگن تو امامی؟ امام اشاره به گردن‌شون می‌کنند یعنی من الان اینجا بگم که امامم، چون جاسوس زیاده حتی می‌تونه الان اینجا صدای ما را بشنوه، ممکنه از کنیزها و غلامان و اینها باشه، اشاره به گردن می‌کنه (دقیقه ۴۵) یعنی من اگر بگم کشته میشم. اینها متوجه میشن.

حالا سوال و جوابهای جالبی هم اگر خواستید برید وصیتنامه امام صادق و نحوه به امامت رسیدن امام موسی کاظم را ببینید. خیلی مفصله، وقتمون کمه.

اینها متوجه میشن که ایشون امامند و میگن که بریم به بقیه بگیم؟ امام میگه که مواظب باشید. علنی نکنید ولی اون کسی را که احساس کردید که ظرفیت پذیرشش را داره اعلام کنید. یعنی نحوه به امامت رسیدن امام موسی کاظم واقعا یک مسئله خیلی خاصیه در تاریخ امامت. این دو سه نفر میرن به شیعیان خاص توی کوفه اعلام می‌کنند که امام بعدی امام موسی کاظم است. خب منصور نقشه‌اش نمیگیره برای کشتن امام. و اون نورانیتی که از چهره امام ساطع میشه منصور را به شک میندازه. مرتب ایشون را زندانی می‌کنند. زندانهای متوالی، نه اینکه پشت سر هم باشه مثلا بعضی ها میگن یازده سال و چهارده سال، خیر. می‌رفتند و می‌اومدند منتها چهار سال آخر پیوسته‌ست. یعنی اوج مصیبت اونجاست و شهادت شون و حالا ماجرای شهادت‌شون مسئله‌ی خاصیه.

چیزی که بخوام جمع بندی کنم وجود مبارک حضرت زهراست، ایام فاطمیه‌ست.

حضرت زهرا وجودشون در واقع همان چراغدانی هست که امام‌های دیگه از ایشون منشأ گرفتند، نور گرفتند. حضرت زهرا، حضرت علی میفرمایند: جهاد ایشون و اون اعتراضش و انقلاب ایشون تَبیرالِنفاق. حضرت زهرا نفاق جامعه را رو کردند. وای به حال جامعه ای که نفاقش علنی نباشه. وای به حال جامعه ای که نفاقها مخفی باشه و خودش را بروز نده. فتنه‌ها، انقلابها، باعث میشن که نفاقها رو بشه، علنی بشه. بیاد بالا.

حضرت زهرا افرادی را در ایام فاطمیه رو کردند که اگر در شرایط عادی کسی می‌گفت فلانی، فلانی، فلانی، منافقه، خورش گردن خودش بود. ببینید بزرگان صحابه ای که مردم برایشون احترام زیادی حتی زیادتر از پیغمبر قائل بودند باید یه جوری، رو میشدند. وقتی اون نزاع بین ابوبکر و حضرت زهرا پیش آمد که حتی اهل سنت جالبه اینجا ما توی اهل سنت خیلی مدارک خوبی داریم. اهل سنت مینویسند که فاطمه زهرا بنت رسول الله در حالی از دنیا رفت که مبعوض از ابوبکره یعنی بغض داره و اون ناراحتی. خب این خیلی سوال بزرگیه. یه طرف دختر پیغمبره، نمیتونند ازش بگذرند، یه طرف ابوبکره برایشون مهمه. اینها باعث شک و تردید شد. در همین حد هم خوب بود به هر حال ابوبکر مقابل دختر پیغمبر وایساد. همین ها از محبوبیتش کم کرد.

ان شاء الله که با ظهور آقا امام زمان انتقام حضرت زهرا سلام الله و اون شهادت شون، انتقام خون به ناحق ریخته امام حسین و همه ائمه گرفته بشه و ان شاء الله که ما همه اسرار درون مون یک طوری رو بشه که باعث شرمزدگی و خجالت مون نشه. سرمون پایین نباشه در هنگام ظهور. ان شاء الله که وجیه بمونیم و عاقبت بخیر. (دقیقه ۵۰)

اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا وَجِيهًا بِالْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ